



۲۰۲۱/۰۱/۰۹



دوکتور محمد ظاهر عزیز

## معارف مریض، زار و ابتر در افغانستان

من تنها نیستم که نقش و اهمیت تعلیم و تربیه با کیفیت، مترقی، متوازن و متجسس را که هر یک از فرزندان (دختر و پسر) و بزرگسالان بیسواد کشور ما به آن دسترسی داشته باشد، برای بهبود حیات عادی اتباع کشور، خانواده ها و به میان آمدن حکومت و دولت هوشیار، مسؤول، جوابگو و صادق و بالاخره ایجاد جامعه هوشیار، با فرهنگ، پیشرفته، مرفه و دارای شخصیت علمی و فرهنگی عالی، ضروری و مهم می دانم.

همه دانشمندان بزرگ جهان با این حقیقت متفق النظر اند که هیچ کشوری نمی تواند بدون داشتن و به راه انداختن تعلیم و تربیه همگانی، با کیفیت، متجسس و متوازن که جوابگوی ضرورت های فعلی و نسل های آینده آن کشور باشد، به حل مشکلات حاد نایل آید و یا به هدف های بزرگ ملی شان دست یابد.

مشکلات حادی که ما افغان ها در تمامی ساحات حیاتی خود و از آن جمله پیاده نمودن تعلیم و تربیه همگانی و با کیفیت مبتلا هستیم، نهایت تشویش آور، پیچیده و مغلق است. عواملی که چنین حالت زار و ابتر معارف را در افغانستان به وجود آورده اند خیلی زیاد اند. من محض چند سبب اصلی را یاد آوری می نمایم: عدم رهبری دارای شخصیت مسلکی در تعلیم و تربیه در رأس وزارت معارف، دروغ گویی ها، فساد سراسری و دزدی ها حتی از کتاب و پول تعمیر مکتب و عدم برنامه های با کیفیت و مسلکی در کشور، مطابق به ضرورت های فرزندان امروز و فردای کشور.

رهبری هوشیارانه و صادقانه در تمامی دستگاه و نظام دولتی کشور ما ضرور است. اما در معارف که ساختن مغز متفکر کشور را به عهده دارد، زنان و مردان با تعلیم کامل در رشته تعلیم و تربیه ضرورت داریم تا نظام معارف را به درستی رهبری نماید. با تأسف که در کشور ما حتی در وزارت های مسلکی رهبری چنین وزارت خانه ها را نظر به ملحوظات سیاسی به ذوات غیر مسلکی و کم تعلیم می سپارند.

در سالهای دور خاصاً در دهه شصت و هفتاد میلادی وزارت معارف را مردانی رهبری می نمودند که نه تنها صاحب تعلیمات عالی مسلکی بودند، بلکه سالهای درازی به صفت معلمان، استادان پوهنتون و ماموران عالی رتبه در دستگاه معارف اجرای وظیفه نموده بودند. من با افتخار و حرمت از بعضی این مردان بزرگ، صادق و پاک نفس یاد آوری می نمایم: دوکتور علی احمد پوپل، دوکتور عبدالقیوم، دوکتور محمد اکرم، دوکتور محمد یاسین عظیم و دوکتور نعمت الله پژواک. من هریک از این بزرگان را می شناختم. هریک جز یک خانه گلی بیشتر نداشتند و در آخر عمر هریک شان در خارج از کشور به غربت و تنگ دستی اما با عزت زندگی نمودند، تا اینکه به رحمت خداوند پیوستند.

وظندانان شریف میدانند که مشکلات حادی که اکثریت مردم فقیر در کشور ما با آنها مبتلا اند، عبارت اند از بیسوادی، (بیش از هفتاد فیصد مجموع نفوس در کشور که اکثر آنها را بزرگسالان و جوانان کشور تشکیل میدهند بیسواد هستند.

بیش از هشتاد و پنج فیصد زنها در کشور بیسواد اند. در قریه های افغانستان، بیش از نود و پنج فیصد زنها و دخترها بیسواد هستند). ضمناً جهل، فقر، امراض، محرومیت ها، عدم دسترسی مردم به مسئولان حکومت، مسئولان پاک نفس و عاری از فساد، هوشیار و صاحب وجدان ملی و مردمی، از مشکلات حاد و عمده مردم افغانستان به شمار می رود. حل مشکلات فوق و همچنان طرح برنامه های هوشیارانه در قالب سیاست و استراتژی ملی انکشافی به منظور رسیدن به هدف های بزرگ چون تعمیم و تحکیم وحدت ملی، عدالت اجتماعی، تعمیم صلح پایدار، تحکیم و تعمیم حقوق مساوی زن و مرد، دموکراسی واقعی، دفاع از قانون و حفظ هویت فرهنگ مردم افغانستان، اهداف بزرگ محسوب می گردند که لازم است افغانها به آنها نایل آیند.

هیچ کدام از مشکلات فوق حل نمی شود و ما به اهداف فوق بدون تعمیم تعلیم و تربیه همه گانی، مترقی و دارای ظرفیت و کیفیت تعلیمی که با در نظر داشت ضرورت های کافی مردم افغانستان برنامه ریزی و تطبیق شود، نمی رسیم. با صداقت می گویم که بدون تعلیم و تربیه همگانی و با کیفیت، نه مشکلات حاد فعلی را حل کرده می توانیم و نه به هدف های بزرگ ملی دسترسی خواهیم داشت و نه آینده مرفه را برای مردم افغانستان پیش بینی و تأمین می توانیم.

اهمیت و ضرورت برنامه ریزی درست و تطبیق آن از طرف متخصصین مسلکی تعلیم و تربیه، برای کسب تعلیم و تربیه با کیفیت و مترقی را می باید بیشتر از همه در قالب ارزش های معنوی مردم افغانستان جستجو نمایم. دین مبین اسلام چهارده قرن قبل هدف ها و روش های مطلوب برای تعلیم و تربیه و جامعه هوشیار که با دیانت پاک در صلح و صفا و انسان دوستی زنده گی نماید، تعیین نمود. اسلام به قابلیت بشر برای رسیدن به کمال علمی و انسانی و رفاه از راه کسب تعلیم و تربیه با کیفیت و همه گانی یعنی تعلیم و تربیه برای همه دختران و پسران، زنان و مردان، تا آخرین درجه تعلیم، اطمینان داشت. اسلام برای اولین بار در تاریخ بشریت فلسفه و روش تعلیمی و آموزش دایم العمر را توصیه کرد و مسلمانان را دعوت نمود تا از (گهواره تا گور) دانش بجویند.

ون که کسب دانش در قید زمان و مکان نیست، این توصیه و روش تعلیمی در عصر معاصر از طرف سازمان تعلیمی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) تحت عنوان تعلیم و تربیه متداوم پذیرفته شده و به جهانیان توصیه گردیده است. حدیث شریف (طلب العلم فریضه علی کل مسلم والمسلمه) شاهراه بزرگی را برای رسیدن انسان ها به کمال فضیلت علمی و انسانی، به روی مسلمانان باز کرد. به این صورت اسلام مردان و زنان را به آموختن امر کرد تا بتوانند به نوبه خود تعلیم و تربیه فرزندان امروز و نسل های بعدی را به عهده گیرند.

خلاصه این که پذیرش سیاست ملی برای تعمیم و انکشاف معارف در کشور و طرح استراتژی برای رسیدن به اهدافی که در سیاست ملی انکشاف تعلیم و تربیه در نظر گرفته می شود می باید همیشه در حال تغییر، تحول و ارتقاء باشد، پیشرفت های علمی را بپذیرد، شخصیت انسانی هر دختر و پسر و هر زن و مرد افغان را تکامل بخشد و فرزندان ما را آزاد، هوشیار، خلاق بار آرد و ملبس به نوعی دانشی بسازد که قابلیت رفع ضرورت های خود، خانواده خود و جامعه ای را که در آن زندگی می کنند، داشته باشند. فرزندان افغان باید پاک نفس، صادق، وطنخواه، راستگو و شجاع تربیت گردند تا با قدرت علمی و حرمت به صداقت و پاک نفسی، در اعتلا و انکشاف کشور سهم هوشیارانه و صادقانه گرفته بتوانند.

هموطنان عزیز: حالا مشترکاً مطالعه و ارزیابی می نمایم که حالت امروز معارف در افغانستان، با کمک میلیون ها دالر از طرف جامعه بین المللی (سازمان های ملل متحد، جامعه اروپایی، بانک جهانی و کشورهای دوست افغانستان) به کشور ما در جهت انکشاف و ارتقاء معارف همگانی، متوازن و با کیفیت در چه وضع قرار دارد؟

الف- بازگشت به مکتب و تعداد شاگردان در مکاتب افغانستان:

با محرومیت هایی که فرزندان افغان برای کسب تعلیم و دانش مبتلا بودند، در سال ۲۰۰۲م هزارها دختر و پسر افغان با شعار (بازگشت به مکتب) در شهر های بزرگ به مکتب رو آوردند و این حرکت شایسته که با کمک سازمان های بین المللی چون یونسکو، یونیسف، اداره انکشافی ملل متحد و دول بزرگ جهان، امریکا، جاپان، جامعه اروپای غربی و دیگر کشورها، پشتیبانی شد، نوید بزرگی را برای انکشاف معارف در افغانستان به میان آورد و مادران و پدران را در جهت آینده نیک و پر بار فرزندان شان امیدوار ساخت.

به همین منظور بود که برای احیا و انکشاف تعلیم و تربیه همگانی، با کیفیت، متوازن و خاصاً برای تثبیت یک سیاست و استراتژی کوتاه مدت و دراز مدت که همه جنبه های انکشاف معارف (تعلیمات عمومی، تعلیمات مسلکی و تحصیلات عالی) را در افغانستان در برگیرد، در سال ۲۰۰۳ میلادی نمایندگی دایمی افغانستان در یونسکو و ایسیسکو با همکاری یونسکو، کمیسیون عالی مستقل متخصصین تعلیم و تربیه را که متشکل بر متخصصین آزموده و متجرب افغان بود، تأسیس و شروع به کار نمود. این کمیسیون کار خود را در مدت کوتاه تکمیل نمود و گزارش خود را تحت عنوان (احیاء و انکشاف تعلیم و تربیه در افغانستان) به سه زبان (دری، پشتو و انگلیسی) تهیه نموده به رئیس جمهور وقت (جناب کرزی)، وزارت های معارف، تحصیلات عالی و دیگر وزارت های مربوط تقدیم کرد. گزارش مذکور به کنفرانس عمومی یونسکو نیز تقدیم شد و از طرف کنفرانس عمومی یونسکو تقدیر و تصویب گردید.

آرزو و پیشنهاد های کمیسیون عالی مستقل تعلیم و تربیه و سازمان یونسکو که به صحت کنفرانس عمومی یونسکو نیز رسیده بود، این بود که وزارت معارف و وزارت تحصیلات عالی از پیشنهادات واضح و نهایت عملی کمیسیون، برنامه های قصیر المدت، میان مدت و طویل المدت برای انکشاف معارف با کیفیت و متوازن طرح نمایند و احیای دوباره معارف را در افغانستان به طوری پایه گذاری نمایند که هم در کمیت و هم در کیفیت معارف تأثیر عمیق و مثبت داشته باشد. ضمناً کمیسیون توصیه نموده بود که در طول سالهای بعدی سیاست، پلانگذاری، نصاب تعلیمی و صورت اجرای تعلیم و تربیه بنا بر ضرورت کشور در تمامی امور معارف البته به توصیه ای متخصصین و استفاده از تکنالوجی، تعدیل، تجدید گردیده انکشاف یابد، تا وطن ما و فرزندان افغان از کاروان انکشاف دانش به عقب نمانند.

اما افسوس که توصیه های متخصصین متجرب افغان که هر یک بیش از بیست سال در انکشاف تعلیم و تربیه در افغانستان و بیرون از افغانستان، تجربه کاری مسلکی داشتند، بعد از چندی از طرف وزارت معارف و وزارت تحصیلات عالی فراموش شد. وزارت معارف به توصیه ها و پیشنهادات یونسکو نیز توجه نکرد.

ب- کیفیت و ظرفیت تعلیم و تربیه در افغانستان:

یکی از پس مانده گی های عمده معارف وطن ما، عدم کیفیت تعلیم است. این امر مشکلات عمده را در سطح دانش و فرهنگ عمومی مردم وطن بار آورد است. فرزندان ما که دسترسی به تعلیم دارند، به مکتب می روند، اما با سواد اندک و یا دانش کم که قطعاً آنها را در بهبود حیات فردی، خانواده گی و سهمگیری در ارتقاء کشور کمک نمی تواند، از مکتب فارغ می شوند و کاغذی که ارزش علمی و مسلکی ندارد به دست می آورند.

من به معلمان کشور ما احترام خاص دارم، زیرا می دانم که وظیفه معلم مقدس است، اما به پیاده نکردن تعلیمات مسلکی شایسته برای بلند بردن سوئیة تعلیمات دارالمعلمین ها و معلمان شامل خدمت، معلمان نتوانستند به ارتقای سوئیة تعلیمات مسلکی دسترسی داشته باشند. ضمناً می دانیم که امروز حتی در پایتخت کشور و حوالی آن، شاگردان محض دو ساعت و یا سه ساعت درس می خوانند. شما خود قضاوت نمایید که در نبود نصاب تعلیمی مناسب، و در نبود معلم مسلکی و

در نداشتن کتاب درسی مناسب، شاگرد با دو و یا سه ساعت در صنف از معلمی که دانش مسلکی اندک دارد چه می آموزد؟

خلاصه این که سوپیه تعلیمی در کشور در مکاتب ابتدایی، لیسه ها، مکاتب مسلکی، دارالمعلمین ها و پوهنتونها، مؤسسات تعلیمات عالی به پائین ترین درجه کیفیت و ظرفیت تعلیمی قرار دارد.

من امیدوار بودم که جناب رئیس جمهور غنی کسانی را برای رهبری تعلیمات عمومی در وزارت معارف و تعلیمات عالی انتخاب می نمود که توانایی علمی، مسلکی، تخصص و شایستگی، پاک نفسی و وطن خواهی حقیقی را داشته باشند. در غیر آن بیسوادی قابل ملاحظه مردم کشور خاصاً زنان که امروز مرض کشنده ارتقاء فرهنگ و دانش درکشور است، دائماً گریبانگیر مرد و زن افغان خواهد بود.

ج- دلایل مؤجه بر پس مانده گی معارف درکشور:

من گفتم که برنامه انکشاف تعلیم و تربیه در سطوح تعلیمات عمومی، مسلکی و عالی در سال های ۲۰۰۲ میلادی و چند سال بعد با خوشبینی و با مشورت سازمان های تخصصی ملل متحد، یونسکو و دیگر سازمان ها و همچنان با همکاری مالی بانک جهانی و کشورهای دوست افغانستان آغاز شد و تا چند سال اول، با همه مشکلات و حتی نبود دستگاه و ادارات دولتی فعال، به پیشرفت های خوب نایل گردید. اما، بعداً به مشکلات اداری، فساد گسترده و دیگر عواملی مبتلا شد که من عمده ترین آنها را ذکر می نمایم:

۱- معارف، مانند دیگر امور کشور، دچار مرض سیاسی گردید و توجه مسؤلان بیشتر به نشر احصائیه های نادرست و دروغین، افزودی شاگردان به مکتب، معطوف شد. به عبارت دیگر معارف را آله تبلیغات سیاسی و نشراتی در داخل و خارج از افغانستان ساختند.

۲- مانند امروز، رهبری و اداره معارف را به کسانی سپردند که با دستگاه سیاسی ریاست جمهوری نزدیکی خاص داشتند، اما کمترین صلاحیت و تعلیم مسلکی، تجربه کاری و یا تخصصی در امور تعلیم و تربیه را صاحب نبودند. رهبری معارف در دست کسانی سپرده شد که یک روز هم در یک مکتب درس نداده اند و یا یک کورس مسلکی تعلیم و تربیه را نگرفته بودند.

این معمول هنوز هم از طرف حکومت جناب غنی ادامه دارد. من باخانی که به حیث سرپرست وزارت معارف تعیین شده است، هیچ مخالفت شخصی ندارم. اما، مطلع شدم که نه صلاحیت مسلکی در رشته تعلیم و تربیه دارد و نه توانایی اداری. انتخاب چنین اشخاص به صفت سرپرست وزارت معارف گناه بزرگ به نظام معارف و در نتیجه خیانت به فرزندان افغان است. سرپرست وزارت معارف با وجود عدم پذیرش او از طرف ولسی جرگه افغانستان، هنوز هم به کار خود ادامه میدهد که نقض واضح از حکم قانون اساسی افغانستان است.

۳- از نصاب تعلیمی پیشرفته و تهیه مواد درسی، از آنجمله کتب درسی مناسب که با دانش متخصصین تعلیم و تربیه مطابق به نصاب تعلیمی پیشرفته تهیه گردد و در مؤسسات تربیه معلم و مکاتب تجربوی به کار برده شود، خبر خوش آیندی در دست نیست. کتب درسی با صد ها غلطی املائی و انشائی، چاپ و تهیه می شود. وزارت معارف حتی نتوانست مطبوعه معارف را دوباره احیا نماید.

۴- معارف و اداره معارف افغانستان دچار فساد گسترده و خیانت گردید. مکاتب هوایی، معلمان هوایی و شاگردان هوایی را خلق کردند. کمک های جامعه بین المللی را به مهارت زیاد دزدیدند. امروز ثابت شده است که ملیونها دالر را بنام معاش معلم، تعمیر مکاتب و تهیه کتب و دیگر وسایل تعلیمی دزدیده اند. این گزارش که در دست مسؤلین اداره

جناب رئیس جمهور است، باید در دست پدران و مادران فرزندان افغان که بنام آنها پولهای وافر را دزدیده اند، از طریق رسانه های همگانی بدسترس مردم افغانستان قرار گیرد. این خیانت بزرگ یعنی خیانت در حق فرزندان افغان نباید پوشیده بماند. جناب رئیس جمهور غنی در برابر مردم افغانستان مسؤلیت بزرگ دارد. من میگویم که فساد در دستگاه معارف و دزدی از فرزندان افغان خیانت بزرگ ملی محسوب میگردد و بصورت خاص قابل تقبیح و پرسیان است. آنانی که دزدیده اند باید جواب خیانت های خود را بگویند. رئیس جمهور حق ندارد خیانت خاینان را به منظور معاملات سیاسی امروز و یا فردا پنهان نماید.

د - پیشنهادات چند برای بهبود وضع ابتر معارف کشور:

من گفتم که متأسفانه حکومت جناب غنی وظیفه خود را با ارتباط بهبود حالت زار و ابتر معارف در کشور، در برابر مردم افغانستان اجرا نکرد. اگر خدمتی برای مردم افغانستان متصور باشد، باید توجه جدی و فوری به معارف کشور در تمامی سطوح تعلیمات عمومی، مسلکی و تعلیمات عالی صورت گیرد. باید بدانیم که سرنوشت حیات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، امنیتی، دولرداری خوب، ارتقای جامعه هوشیار و پاک نفس، دموکراسی و اعتبار شخصیت و هویت ملی به نوع، کیفیت و پیشرفت تعلیم و تربیه مناسب و موافق به ضرورت های اصلی وطن ما، وابسته است و نباید هیچ کسی از این حقیقت چشم پوشی نماید.

ایجاب می نماید که حکومت آقای غنی به زودی کمیسیون عالی موقت به نام (کمیسیون عالی ارزیابی و انکشاف معارف) را که متشکل از متخصصین افغان که در رشته های تعلیم و تربیه، اقتصاد و امور انکشافی، تخصص، صلاحیت و تجربه کاری داشته باشند و در صداقت و پاک نفسی مشهور باشند، تشکیل نماید. به چنین کمیسیون وظیفه و صلاحیت داده شود که در مدت کوتاه حالت جاری، پیشرفت و مشکلات عمده معارف افغانستان را مطالعه و ارزیابی نماید. ضمناً با نظر داشت ضرورت های امروز و فردای کشور، سیاست ملی و استراتژی انکشاف تعلیم و تربیه را تشخیص و تهیه نموده و با پیشنهادات پلان های قصیر المدت، میان مدت و طویل المدت انکشاف معارف در کشور، در قالب سیاست، استراتژی و پلان گذاری عمومی انکشاف اقتصادی، اجتماعی، علمی و فرهنگی افغانستان، جهت تطبیق به مقامات عالی در کشور تقدیم نماید.

با آنکه مردم افغانستان امید های زیادی از حکومت جناب غنی داشت که تا حال هیچ یک از وعده های انتخاباتی او عملی نشده است، من امیدوارم که این نوشته که با حسن نیت تهیه گردیده، با وسعت نظر از طرف شخصیت های مسؤول حکومتی مطالعه گردیده و اقدامات جدی در مدت کوتاه از طرف آن مقام ها در جهت بهبود حالت زار و ابتر معارف کشور صورت گیرد و رنه بیسوادی جامعه افغانستان وسعت خواهد یافت و میلیونها طفل امروز بیسوادان فردا خواهند بود.



برای مطالب دیگر داکتر محمد ظاهر عزیز، اینجا کلیک نمایند.